

چوپی و حیر

سور و سوک در موسیقی ارتسان ایلام



Shiraz-Beethoven.ir



کریم منصور
ناجید شریانی

بخش دوم

- ۵۵ آواهای پشتکوه و پیشکوه.
- ۵۶ نقش باورها در موسیقی زاگرس نشینان
- ۵۹ پیوند شعر و موسیقی آوازی
- ۶۱ آوانویسی کلام و اشعار موسیقی آوازی
- ۶۶ ساختار آوایی در ترانه های مناطق سردسیری و گرمسیری زاگرس

کلیاتی در تاریخ و جغرافیای لرستان و ایلام

- ۷۴ لرستان
- ۷۵ ایلام
- ۷۶ دل مویه ها و غم نامه ها در موسیقی لرستان
- ۷۷ طرز
- ۷۸ پاوه موری
- ۸۱ سحری و باری
- ۸۳ جنگه را
- ۸۴ قطار
- ۸۵ موگه
- ۸۷ مور

آواهای سوگ

- ۹۵ پاکتلی
- ۹۵ مور پاکتلی
- ۹۵ شیونی
- ۹۷ رارا

- ۱۱۰..... شادیانه های سازی در لرستان
- ۱۱۴..... رقص چوب بازی
- ۱۱۵..... دوپا
- ۱۲۴..... سه پا
- ۱۳۰..... سنگین سماع
- ۱۴۰..... آوشاری
- ۱۴۲..... فتایی
- ۱۴۳..... سیت بیارم « هیوله»
- ۱۵۱..... آمان گل
- ۱۵۵..... چوبی و چمر در در موسیقی ایلام
- ۱۵۷..... سازهای بومی موسیقی مناطق ایلام
- ۱۵۸..... ترانه های کودکانه
- شادیانه های آوازی**
- ۱۶۰..... سیت بیارم
- ۱۶۵..... عروس برو
- ۱۶۸..... مقایسه سیت بیارم لرستان با ایلام
- شادیانه های سازی در استان ایلام**
- ۱۷۰..... سوارهاو
- ۱۷۱..... چپی
- ۱۷۳..... سه جا
- ۱۷۵..... فتاپاشایی

فهرست

بخش اول

۱۱	پیش سخن
۱۴	گذری بر روزگار موسیقی ایرانی
۱۸	پیدایش سازهای موسیقی
۲۰	تمدن سومری و آکدی یا تمدن قدیم کلدی
۲۳	انتشار تمدن و موسیقی یونانی پس از فتوحات اسکندر
۲۴	کهن‌ترین آثار شعر و موسیقی نژاد آریا
۲۵	ساسانیان و شعر و موسیقی
۲۶	موسیقی‌دانان و رامشگران عصر ساسانی
۲۷	ادوات و آلات موسیقی در دوره ساسانی
۲۷	موسیقی ایران پس از اسلام
۲۹	جلوه‌های موسیقی ساسانی در میان عرب زبانان
۳۰	شعر و موسیقی در دوره عباسیان
۳۰	هجوم قوم مغول
۳۲	نگرشی کوتاه به موسیقی ایران در دوره اسلامی تا صفویه
۳۴	موسیقی در دوره صفویه
۳۸	موسیقی درمانی
۴۱	دین و موسیقی
۴۵	جمع آوری نواها و آواهای بومی و محلی
۴۶	شیوه‌های گردآوری آواها
۵۰	چه چیزهایی را باید گردآوری کنیم
۵۳	ضرب آهنگ ترانه‌ها

- ۱۷۷ سنگین سماع
- ۱۷۹ مقایسه سنگین سماع لرستان و ایلام
- ۱۸۰ فتایی
- ۱۸۲ پا ده پشت پا
- ۱۸۳ اوشاری
- ۱۸۴ سه پا
- ۱۸۷ شانه شکی
- ۱۸۹ هل پرگه
- ۱۹۰ مقام سوارهاو
- ۱۹۲ بوی جمان
- ۱۹۴ روله کم

شادیانه‌های آمیخته با طنز

- ۱۹۵ هه کر نو
- ۱۹۶ قاسم آبادی
- ۱۹۹ حزن و اندوه در موسیقی استان ایلام
- ۲۰۳ چمری
- ۲۰۷ مور
- ۲۱۰ چاینه
- ۲۱۴ رارا
- ۲۱۶ چوب بازی
- ۲۱۸ کتابنامه

پیش سخن

بشر با درک زیبایی از طبیعت الهام گرفت و با تقلید اشکال و آهنگ های طبیعی و انعکاس این آثار، هنر را که یکی از عوامل مهم ابراز احساسات و بیان زیبایی است به وجود آورد و آن را به صورت های گوناگون منعکس نمود. غم و شادی و عواطف و احساسات انسانی مفاهیمی واحد است، اختلاف در طرز بیان و توصیف آن است.

رقص و شعر موسیقی با بشر به وجود آمد و انسان از زمانی که پا به عرصه وجود گذاشت و در آغوش طبیعت بدون قید و بند و به طور آزاد مانند حیوانات، در ظلمت جهل و نادانی زندگی می کرد، دارای احساسات و عواطف و واجد تاثیرات و حالات نفسانی مانند بیم و امید، غم و شادی، میل و نفرت، و سایر کیفیات درونی و در دوران زندگانی نیز پیوسته محکوم عواطف و احساسات خود بوده است. شعر، موسیقی و رقص، زادگان یک مادرند، این هر سه مولود عواطف و احساساتند. همان معلمی را خنده و گریه و شاعری را به بشر آموخته، رامشگری را نیز به او یاد داده است. بشر در دبستان طبیعت، از عشوه و ناز و گل و الحان پرندگان خوش آواز و وزیدن باد بهاری و طراوت نهالان کوه و دشت به یادگیری پرداخته است. بعد از آنکه بشر به تمدن نزدیک گردید با اختراع آلات و ادوات موسیقی، از الحان و نواهایی که در ذهن او حالت مطبوع و دلپذیر ایجاد می کرد تقلید نمود، و با سرود های مذهبی به نیایش ارباب انواع پرداخت و موسیقی را رکن اصلی دین قرار داد و از رقص و آواز های ضربی و غیر ضربی در جشن و سرور و پرستش خدایان خود استفاده نمود.

سرزمین ایران از دیرباز به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و نیز مهاجرت یا حملات اقوام دیگر و یا رسوخ فرهنگ ایرانی و آمیزش آن با فرهنگ سرزمین های همسایه، بستری برای مطالعه و بررسی فراهم کرده است. یکی از زنده ترین شیوه های نمود زندگی فرهنگی یک جامعه، فرهنگ و هنر موسیقی و شادمانه های مردم آن جامعه است. قلمرو موسیقی بسیار گسترده است، به طوری که از نوازندگی و نوای نی، کمانچه و سرنا و دوزله گرفته تا آواز شیردوشی، لالایی، مرثیه خوانی و ترانه های عاشقانه و نواهای چوپانی را در برمی گیرد. (سکندر امان الهی، ۱۳۸۴ موسیقی در فرهنگ لرستان: ۲۲)

لالایی ها، سروده های مذهبی، موسیقی های کار، غم و شادی، هریک به گونه ای در موسیقی این دیار ردپایی دارند. «پهلوانیه های» دوره اشکانی، ادبیات دوران پارتی ها که به صورت شفاهی حفظ گشته و به وسیله «گوسانان» که همان خنیاگرانند، سینه به سینه گشته است. پهلوانیه های دوره ساسانیان، از جمله سی لحن یاریدی که به قول نظامی گنجه ای، آن ها را از میان صد لحن برگزیده و هر لحن، ترانه و کلامی داشته است. (پرونده، ۱۳۹۴: ۱۸)

گذری بر روزگار موسیقی ایرانی

با وسعت دایره تمدن تغییراتی در زندگانی بشر به وجود آمد. رقص و شعر و آواز نیز دستخوش تغییر و تحول شدند و قواعد خشک و اصول علمی در هر یک از این سه مظهر احساسات و عواطف بشری دخالت کرد و تحول و تغییراتی در آنها پدید آورد. این مظاهر که در آغاز پیدایش، قواعد و قوانین مضبوطی نداشتند، به همان نسبت که تحت شرایط و قوانین قرار گرفتند و به تدریج سادگی و روحانیت خود را از دست دادند، از یکدیگر تفکیک و پای بند به قیود و تابع شرایط و قوانینی گردیدند و هر کدام فنی جداگانه شدند و روشی را در پیش گرفتند.

هیچ ملتی بدون اقتباس و استفاده و یاری جستن از دیگران نتوانسته است به درجات عالی از تمدن دست یابد و هر ملتی بنا بر نیازها و شرایط محیطی خویش و با اندیشه و ذوق و توانایی‌های خود چیزهایی به وجود آورده که در طول زمان در نتیجه برخورد و ارتباط و درآمیختن با ملت‌های دیگر به دیگران منتقل شده است، ملت‌هایی که اقتباس و تصرفشان در آنچه اخذ کرده بودند بیشتر بوده، آنچه را که پسندیده و با ذوق و پسند و نیاز خود مطابق دیده اند با محیط مادی و معنوی خویش منطبق ساخته و بدان جلوه ای تازه بخشیده اند.

ایرانیان از ملت‌هایی هستند که در این اقتباس و تصرف در آن، توانایی و ذوق و پسند خود را در طول تاریخ به ثبوت رسانیده و آنچه را اخذ کرده اند به صورتی بهتر و خوشایند تر درآورده و بدان رنگ ملی داده اند. موسیقی ناله جانکاه جست و جویی ناشناخته است که مردمی طالب معنا را به اصل خود برمی‌گرداند و از دل‌بستگی‌های این جهانی در کلیت تاریخ بودن، رهایی می‌بخشد و چنین است که امروز حزن و اندوه، اشک و ماتم به همراه رزم استقامت، تمام عرصه های آن را انباشته است. موسیقی هوس نیست؛ به خاطر هوس و عرصه های شهوانی نیز نبوده، گر چه شاهان، اشراف و دربارگان دامن آن را با ناپالودگی های خود آلودند و بی‌خبران نامحرم، از آن نردبانی برای خواسته‌های نا به جای خود برپا ساختند، اما تا بوده، این آوا در ایران، از درون قرن‌ها هم چنان در بستر تقدس جاری مانده است.

روزگاری در عهده قبل از اسلام، شرافت ناله‌های مقدس موسیقی، با ریاکاری دربار شاه آغشته و به رامشگری خوگر شده بود! نوای ایرانی آمده بود تا رهایی دهد، خویش در بند شد! الحان دلکش آن با مهارت و استادی، نغمه پوسیدگی تاریخی ساسانیان را سرود و علی‌رغم حضور در بزم های خرم باش و اجرای فلان و بهمان، تزلزل را در ارکان همه کفر آن دیده و درنوردید. «عود- نای- تنبور و مزمار، چنگ و زنگ» یا بهتر بگویم رنج، نغمه های مردمی کتک خورده، ستم کشیده و تشنه از برای عدالت را آن چنان نواختند که طاق بستان ترک خورد، کاخ فرو ریخت و شاه سرنگون شد. این چنین رامشگری به جلوه های آزادی و ایمان پیوست. معروف‌ترین رامشگران و ترانه سرایان این بار دیگر به خود آمدند. آنان که هنر راستین را از آن خود داشتند، ماندند و آن بقیه در زلزله عظیم آخرین روزهای امپراطوری ساسانی محو نابود شدند. بارید، سرکش، نکیسا و

رامتین ماندند و آوازه خود را از درون بی شمار سالیان به گوش ما نیز رساندند. انقلاب بزرگ آن سال ها مهیبتر از آن بود که بشود باورش داشت. عظیمتر آن بود که کوه ها وسیعتر از آن بود که آبها و اقیانوس ها. زمین لرزید و آنچه را باخود ازدنیای عمیق به همراه داشت در هم پیچید و ازهم پاشید! اما این همه افسانه نبود. حقیقتی بود سترگ تر از حقیقت آسمان آبی پرنده سفید آزادی. دستگاههای موسیقی این نیز که از تصنیفات آهنگ ساز بزرگ آن دوران بود، در این تغییر شگرف مفقود گردید. می گویند که بارید در کنسرت های خود، ابتدا یزدان آفرید را می خواند و آن پس دستان «پرتو فرخار» را به اجرا درمی آورد و سپس «سبز اندر سبز» را می نواخت و این چنین همگان را مات و مبهوت می ساخت. حکیم توس، فردوسی پاک زاد در اشارات بدین، آن ها را داد آفریده، پیکارگرد و سبز اندر سبز می نامد.

تار و پود مستقل موسیقی ایرانی با شرایط احساسی، عاطفی و اقلیمی روحیه ایرانی، طرح وحدت و یگانگی می سازد و به انسان، آرامش و وحدت می بخشد. از این رو، برای شناسایی این تأثیر متقابل، لازم است که هر دو عامل یعنی ساختار موسیقی ایرانی و شرایط روحی، زمانی و مکانی آن بررسی و شناخته شود.

موسیقی ایرانی برعکس تصور عده ای که آن را حزین و اندوهیگن می دانند، عواطف متنوعی از آرامش، عشق نشاط، تحریک، شادی، دلدادگی، امید و ناامیدی، فراق، اشتیاق و... را در بر می گیرد. **حزن و اندوه** وجهی از آن است و نه تمامی آن؛ همان گونه که حزن یکی از نیازهای حسی آدمی است و به عنوان مکانیسم عاطفی، به سازگاری و تطابق انسانی کمک می کند، در مایه های موسیقی ایرانی نیز حزن وسیله ای برای برقراری تعادل آدمی در شرایط ناگوار است. (علیزاده، مقاله)

اصواتی در طول حیات انسان در فضا شناور هستند می توانند مفید یا مضر باشند. به هر حال بشر به وجود این اصوات عادت می کند و حتی به آنها نیاز دارد. چنان چه در فضا که صوتی وجود ندارد باعث ناراحتی فضانوردان می شود از جمله اصوات مفید ضربان قلب مادر است، قطع صدای ضربان قلب مادر بزرگترین علت اضطراب نوزادان می باشد و دوباره در آغوش گرفتن توسط مادر موجب آرامش آنان می گردد. از جمله اصوات موزون که در طول زندگی بشر به دلیل ریتم و وزن موجب آرامش می شود موسیقی است. به همین جهت سال هاست که محققان و پزشکان درصدد استفاده از این اصوات برای درمان هستند. طبعاً هر موسیقی ای برای جامعه و هر فردی مناسب نمی باشد و موسیقی ای مناسب است که می تواند هیجانات را کنترل کند. (موسیقی درمانی، مقالات، مریم شریعت زاده)

تأثیر و درمان به وسیله موسیقی را می توان به طور معمول و عادی در زندگی سنین مختلف افراد دید. به نظر می رسد جلسه آواز خوانی برای افراد پیر به آنها کمک می کند با واقعیت ها در تماس باشند. حضور در جلسات و برقراری ارتباط با اعضای گروه آوازخوان به افراد پیر و منزوی که احساس تنهایی می کنند کمک می کند تا بتوانند از عهده انجام کارهای خودشان برآیند و در نتیجه به راحتی می توانند در وقایع عادی اجتماعی شرکت کنند.

جدول آوانویسی الفبای فارسی به لاتینی

حروف بی صدا (صامت)		حروف صدا دار (مصوت)			
ž	ژ	b	ب	a	ا، آ، آء
š	ش	p	پ	e	ای، آء
q	ق، غ، ق	p	ت	o	او، آء
f	ف	t	ت، ط	ā	آ، عا
k	ک	s	ث، س، ص	I	ای کوتاه
g	گ	j	ج	u	او، عو، ئو
l	ل	č	چ	ow	او (مصوت مرکب)
m	م	h	ح، ه		
n	ن	x	خ		
v	و	d	د		
y	ی	z	ذ، ز، ض، ظ		
		r	ر		

شیوه نوشتن حروف فارسی به لاتین

a و ā

abad	ابد
ābād	آباد
bam	بم
bām	بام
bad	بد
bād	باد
tavānā	توانا
amal	عمل
ālam	عالم

نگرشی کوتاه به موسیقی ایران در دوره اسلامی تا تشکیل دولت صفویان

موسیقی ملی ایران از سده نه هجری به بعد به طور کلی جنبه علمی خود را از دست داد و با تشکیل دولت صفوی راه انحطاط پیمود و دگرگونی‌هایی در آن رخ داد. هم چنانکه که اشاره‌ای کوتاه شد، با حمله اعراب بسیاری از آثار فرهنگ و تمدن ایرانی از بین رفت. کتاب و کتابخانه‌ها به دست برخی متعصبان خرافه پرست و جاهل که جز کتاب قرآن مجید، کتابی دیگر را سزاوار ماندن نمی‌دانستند، از بین رفت و دانشمندان و اهل هنر و صنعت نابود یا متواری شدند. دو قرن نفوذ عرب بر ایران بسیاری از آداب و رسوم و سنن و فرهنگ ایران حتی زبان فارسی را به فراموشی برد، اما موسیقی ایران به سبب گسترش و رواجی که در دوره ساسانیان داشت یکسره محو و نابود نگشت و موسیقی‌دانان و رامشگرانی که در سال‌های پایانی عهد ساسانی در سراسر ایران پراکنده بودند با همه افسردگی دست از کار نکشیدند و این هنر به ویژه در نقاط دور از مرکز خلافت و در پناه دره‌ها و کوه‌ها و جنگل‌ها سینه به سینه ضبط می‌شد و دست به دست می‌گشت و از نسلی به نسلی منتقل می‌شد.

از این رو هنگامی که در دوره امویان توجه غالب خلفای این سلسله به موسیقی و عیش و عشرت معطوف گشت و موقع مناسب برای انتشار آن فراهم شد، ایرانیان آن سبک و روش خویش را میان مسلمانان رواج دادند و اشعار عربی را با نواهای فارسی به سبک خویش تنظیم کردند و به ساختن آهنگ‌های جدید پرداختند.

از سوی دیگر با قیام آزاد مردان و میهن‌پرستان ایران و به دست آوردن استقلال از دست‌رفته، زبان فارسی رواج گرفت و به همت وزیران و دانشمندان و بزرگان ایرانی بسیاری از آداب و مراسم و هنر ریشه دار ایران در دستگاه خلفای عباسی احیا گردید و به شکل نوین رواج و رونق یافت. لیکن حرمتی که اسلام برای بعضی رشته‌های هنری از جمله موسیقی قائل شده بود آن را از سیر طبیعی خود باز داشت و از جنبه‌های مختلف در آن دگرگونی‌های روی داد و سبب شد که هنر موسیقی ایران در این دوره در راهی تازه افتد. موسیقی ملی ایران در دوره خلفای عباسی به همت موسیقی‌دانان بزرگی چون ابراهیم و اسحاق موصلی و دیگر اهل فن چه در مرکز خلافت چه در نقاط مختلف ایران رو به گسترش و تکامل بود و پس از آنکه جنبه علمی به خودش گرفت دانشمندان ایرانی با تبحر و تألیف در ترقی و توسعه آن کوشیدند، این حال تا اواخر سده نه هجری با افت و خیز ادامه یافت، به این معنی که از سده سه هجری تألیف کتاب‌های موسیقی به قلم دانشمندانی که در بین‌النهرین و تحت حمایت خلفای عباسی می‌زیستند، یا در سرزمین ایران زندگی می‌کردند آغاز شد و در سده چهار هجری به همت دانشمندان بزرگ ایرانی چون فارابی و ابن سینا و با سود جستن از آثار یونانیان و دیگر بیگانگان چنانکه دیدیم جنبه علمی به خود گرفت و بر پایه علمی استوار گردید. موسیقی ملی ایران که در نقاط دور افتاده و در پناه کوه‌ها و جنگل‌ها به سیر طبیعی و ساده خویش ادامه می‌داد در شهرهای بزرگ و میان دانشمندان با جنبه علمی در حرکت بود تألیف کتاب و رساله در